

مقتل مقرم

تأليف

استاد عبد الرزاق مقرم

[متوفى ۱۳۹۱ هـ . ق]

با ویرایش جدید

ترجمه و ویرایش

عبد الرحیم عقیقی بخاشی



ترجمه مقتل مكرم

مؤلف: سيد عبدالرزاق مكرم (ره)

مترجم: دكتور عقيقي بخشايشي (ره)

ناشر: كتاب عقيقي

ناشر همكار: نويد اسلام، قم

نوبت چاپ: ششم (اولين ناشر ۵۱)

تيراز: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۱۷۸-۶۰۰-۸۴۷۴-۰۱-۲

قيمت: سي هزار تومان

مراكز پخش:

قم، خيابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همک. پلاک ۱۱۱. تـلفـن: ۳۷۷۴۴۶۲ - ۰۲۵
تهران: بازار سلطاني، دارالکتب الاسلاميه تلفن: ۵۵۶۲۰۴۱۰ - ۰۲۱
تهران: ميدان فلسطين، نشر بين الملل تلفن: ۸۸۹۳۱۹۸۰ - ۰۲۱
مشهد: چهار راه خسروي، کتابفروشي آستان قدس رضوي تلفن: ۳۲۲۳۳۹۲۱ - ۰۵۱
مشهد: خيابان خسروي، کتابفروشي کتابچي تلفن: ۳۲۱۱۰۱ - ۰۵۱
تبريز: کتابفروشي دري تلفن: ۱۰۰۹۳۰۶۳ - ۰۴۱
اصفهان: روبروي مسجد حکيم، کتابفروشي حکيم تلفن: ۲۲۳۶۵۲ - ۰۳۱

مكرم، عبدالرزاق، ۱۸۹۵ - ۱۹۷۱ (مقتل الحسين، فارسي).

مقتل مكرم / تاليف عبدالرزاق مكرم با ترجمه و پيشگفتار دكتور عقيقي بخشايشي. - تهران: كتاب عقيقي: دفتر نشر اسلام، ۱۳۹۵. ۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۷۴-۰۱-۲

فهرست‌نويسي براساس اطلاعات فيبا.

کتابنامه: ص (۴۰۳) - ۴۰۹؛ همچنين به صورت زیر نویس.

۱. واقعه کربلا، ۶۱ ق. ۲. حسين بن علي (ع)، امام سوم، ۱ - ۶۱ ق. ترجمه مرحوم عقيقي بخشايشي، عبدالرحيم، ۱۳۲۲ - ج. عنوان، مقتل مكرم، فارسي.

بسمه تعالی

پیشگفتار مترجم

حسین محور عزت و مصباح هدایت

حماسه جاویدان عاشورا که از بستر شن‌های داغ و سوزان کربلا سرزد، همواره الهام بخش نهضت‌های آزادی‌خواه و رهایی‌طلب میلیون‌ها انسان آزاده و وارسته در طول تاریخ اسلام گردیده و شور و شوق و جذبه‌اش، شیفتگان آزادی و طالبان انصاف و مسالمتی را، به سوی محور این عنصر آزادی بخش و کانون نجات، متوجه ساخته است. بنابراین بنیانگذار این نهضت مقدس، همواره مصباح هدایت و سفینه نجات و کانون عزت و شرف و محور کرامت و مروت انسان‌ها بوده است. اکنون ما در این صدد هستیم که در خور فهم و توان خویش از خصوصیات قهرمان اصلی این حادثه بزرگ و ویژگی‌های منحصر به فردش سخن بگوییم تا رمز جاودانگی این حادثه را بهتر و بیشتر دریابیم؛ قهرمان اصلی این حادثه در چنان جایگاهی قرار دارد که هرگز نمی‌توان به سادگی نظیری بر آن و شبیهی برایش تصور نمود، چنان که این حادثه بزرگ نیز چنان با باورهای اعتقادی، اجتماعی و انسانی مردم رقم خورده است که هرگز نمی‌توان آنان را از هم تفکیک و جدا نمود یا آن را به فراموشی سپرد. مسلمانیان جهان، به ویژه شیعیان و دوستان آن امام همام علیه السلام، از روزهای نخست این حادثه که در سال ۶۱ هجری به وقوع پیوست، به اهمیت سرنوشت ساز این حادثه جانسوز پی برده‌اند و در راه تثبیت تاریخی آن، به تحریر و نگارش و بازگویی درس‌های عبرت‌آموز آن برآمده‌اند به حدی که بخش اعظمی از قفسه‌های کتابخانه‌های

۱- کربلا در سینه‌اش پنهان هزاران راز دارد
کربلا دریای مواجی است بی سرز و کرانه
مکتب خلقت ندیده است چون حسن آموزگاری
سات هفتاد و دو ملت از دو هفتاد اویند

هر زمان یک راز از اسرار خود ابراز دارد
سوج عالمگیر او دستی به هر سو باز دارد
این چراغ آسمانی نور انسان ساز دارد
در کجا فرماندهی، ششماهه یک سرباز دارد
هستان چاپچیان

بزرگ اسلامی را به نگاشته‌های پیرامون این امر مهم اختصاص داده‌اند و در ضبط و نگهداری آن با وسایل مختلف کوشیده‌اند. نگارنده نیز به سهم ناچیز خود در گذشته با ترجمه «لُھُوف سَیِّد بن طاووس» و نشر وسیع آن^۱ و نیز نگارش مجلد «حماسه سازان کربلا» ترجمه «ایصار الحسین فی انصار الحسین (ع)» تألیف مرحوم سماوی و چند اثر ناچیز دیگر عظمت و عمق این فاجعه تاریخی را نشان داده است، چنان که اکنون به مناسبت ترجمه کتاب مقتل مقرر، تلاش می‌کند تا تا حدی، عوامل جاودانگی آن را بررسی و بازنگری نماید. در این راستا، پس از هر چیز، خصوصیات روحی و عظمت شخصیت وجودی قهرمان اصلی این حادثه، جلب توجه می‌کند. البته عوامل دیگری هم در این امر دخالت دارند مانند: روح طاهر سبزی و... ولی عظمت روحی امام (ع) و خصوصیات اخلاقی‌شان علل دیگر را تحت الشعاع خود قرار داده است.

حسین بن علی (ع) به فطرت واحد تمام خصوصیات یک فرد کامل تربیت یافته آیین انسان‌ساز اسلام، بدست خود خدا-ریان جهان به شمار می‌رفت، طوری که وجود مسعود و مبارکش، از تمام صفات کمالی و ارزشی چون: آزادی، جوانمردی، شرف، شهامت، شجاعت، صداقت، وفای، صبر، پایداری، استقامت، مروّت، عظمت روحی، کرامت نفس، عزم استوار، اراده قوی، عزّت نفس، مناعت طبع و... سرشار بود. در بین تمام این صفات برجسته و ملکات نفسانی، عزّت نفس و مناعت طبع حضرتش برجسته‌تر و شاخص‌تر می‌باشد.

از این رو در این پیشگفتار قدری به درنگ، تدبیر، تأمل و تدبیر پیرامون این ویژگی ایشان می‌پردازیم تا در خور فهم خویش، به یکی از رموز جاودانگی قیام اباعبدالله الحسین (ع) پی ببریم؛ زیرا که این صفت عالی و ویژگی والا و منحصر به فرد است که طالبان کمال و عاشقان تعالی و تحول روحی را، به سوی خود

۱- این کتاب از سال ۱۳۷۸ تاکنون، (۱۳۸۵ ش) ۱۵ بار و هر بار در پنج هزار نسخه و مجموعاً حدود ۱۰۰/۰۰۰ نسخه انتشار یافته است. این ترجمه اکنون در آستانه‌ی چاپ شانزدهم قرار دارد و این امر گوشه‌ای از عشق و علاقه مردم ایران را به اباعبدالله الحسین (ع) و یاران با وفا و با صفای او، نشان می‌دهد.

جذب نموده و امام را در مغناطیس فضیلت و محور قطب دائرة انسانیت قرار داده است. آری! عزّت نفس و مناعت طبع عالی او بود که او را از ورود به حقارت‌ها و پستی‌ها و ذلت‌ها بازداشت و جوهره نفیس درونی او بود که در پرتو آن، رضای خدا را بر تمام خشنودی‌ها، شادی‌ها و تمتعات دنیوی رجحان داد و او را از خاک به افلاک و از ملک به ملکوت اعلی و از ثری به ثریا رساند و با ملکوتیان، هم‌نوا و هم شأن بلکه از آنان والاتر ساخت.

عزّت نفس چیست؟

اینک به تمایل عزّت نفس و مناعت طبع می‌پردازیم. نخست مفهوم آن را در کلام خدا جستجو می‌کنیم؛ از جمله آن جا که خداوند متعال، خود و رسول و مؤمنان را با آن صفت، عالی می‌ستاید و می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (عزّت بزرگواری از آن خدا و رسول خدا و مؤمنان واقعی می‌باشد، ولی منافقان نمی‌دانند). چه می‌فهمند که عزّت چیست؟ و عزیز واقعی کیست؟

عزّت در مقابل ذلت می‌باشد و عبارت از اوج گرفتن مقام شامخ روح، آلوده نساختن آن با مطامع پست دنیوی و حراست نفس از آلوده شدن با زینت‌های ناچیز مادی و خواهش‌های زودگذر نفسانی است. عزیز کسی می‌باشد که خود را از پستی‌ها، حقارت‌ها و دنائت‌های نفس دور نگهدارد، خلاف شأن رفیع نفس نفیس خود را به جا نیاورد و هرگز، چه در امور دینی چه در امور دنیوی، به پستی و خواری که پائین‌تر از شأن و مقام اوست، تن ندهد.

خداوند متعال «عزّت» و مشتقاتش از قبیل: عزّ، یعزّ، أعزّ، عزیز، عزّت را دقیقاً صد و نوزده مرتبه (۱۱۹) در قرآن مجید به کار برده است^۱ که این نشان می‌دهد صفت اخلاقی یادشده، از تعالیم عالی و پیام‌های خاصّ و عزّت بخش و سعادت آفرین قرآن مجید می‌باشد. امام حسین (علیه السلام) نیز که خود تربیت یافته قرآن

۱- سوره منافقون، آیه ۸.

۲- المجمع المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، فؤاد عبدالباقی، از منشورات نوید اسلام قم.

و بزرگ مروج و مبلغ آن بود، این صفت کمالی را از آن مبدء وحی و منشاء حیات روحی دریافت نموده، خود در تمام مراحل زندگی پابند فرامین و اصول عزت نفس و بلندی طبع و آقایی و سیادت روحی بود.

حفظ عزت در کلام فقهاء

آیین اسلام، حفظ عزت و کرامت انسانی را در تمام مراحل زندگی، مد نظر قرار داده و تخلف از آن را پائین‌تر از شأن و اعتبار مسلمان واقعی دانسته است. مثلاً فقهای اسلام در مورد تهیة آب وضو، هنگامی که به آسانی در دسترس نیست، فرموده‌اند: نماز را باید پیش از انجام فریضة نماز، به هر ترتیب، آب به دست آورد و وضو بگیرد. اگر چه تهیة آب مستلزم تفحص اطراف یا پرداخت پول کلان بوده باشد - اما برای کسی که توان پرداخت آن را داشته باشد - ولی اگر تهیة آب به تمنا و خواهش از یک فرد لثیم و خسیسی بسته گردد، بنابر اتفاق همه فقهای اعلام، شخص باید نیشم نماید و از فرد لثیم درخواست رفع نیاز ننماید. این حکم به آیه مقابل مستند شده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^۱ فرد مؤمن و خداجو نباید عزت و اعتبار و شأن والای خود را ذلیل و خوار سازد، هر چند برای عبادت و ادای بندگی خداوند عزوجل. اینک نمونه‌هایی از اعمال و رفتار حضرت را که عزت و بزرگواری در آنان مروج می‌زند و سرشار از بلند نظری‌ها است، بازگو می‌نماییم:

۱) عزت نفس در بازگیری حق از معاویه

نوشته‌اند: «بین امام حسین (علیه السلام) و معاویه در مورد قطعه زمینی واقع در «ذی مروه» اختلافی رخ داد، معاویه می‌خواست حق آن حضرت را انکار کند، اما امام حسین (علیه السلام)، بنابر فطرت و خصلت حق جو و ظلم ستیزشان، حاضر نبودند زیر بار

۱- سوره ی مؤمنون، آیه ۸

۲- کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه در مسئله وضو و تیمم.

زور و تعدی روند. امام علیه السلام خطاب به معاویه فرمودند: باید یکی از سه پیشنهاد مرا بپذیری: یا حق مرا خریداری کنی، یا آن را به خود من برگردانی یا میان من و خود، ابن عمر یا زیرین عوام را داور قرار دهی و اگر این پیشنهادها را قبول نکنی، آن گاه شمشیر خود را کشیده از مردم دعوت به «حلف الفضول»^۱ خواهم نمود.

سپس حسین بن علی علیه السلام از مجلس معاویه با خشم و غضب بیرون رفت. معاویه که از اخلاق و شجاعت و شهامت و عزت نفس او با خبر بود، پیغام داد که من زمین را از تو می خرم، قیمت آن را دریافت نما!

فرهاد میرزا می نویسد: عبدالله بن زبیر پیش معاویه آمد و از حسین علیه السلام تأییدیه گرفت؟ و این پیشنهاد نخستین خود را پذیرفت و زبیر مزرعه را فروخت و به حضور امام علیه السلام آمد و دنت کسی بفرست تا قیمت آن را از معاویه دریافت نماید.^۲

۲) ابراز عزت در مجلس ولید (فرمان از مدینه)

یکی از نمونه های عزت نفس امام در مجلس نما - یافت که به منظور بیعت گیری از امام علیه السلام برای یزید برپا شده بود. ایشان در حالی که معی از بنی اعمام و فرزندان و برادرانش نیز همراهش بودند، صریحاً بیعت را رد کرد و با مروان بن حکم سخت برخورد نمود و فرمود: آیا رواست شخصی در شرایط من با فردی شرابخوار و متظاهر به فسق و فجور بیعت نماید؟ امام علیه السلام با تندی آن مجلس را ترک فرمود و عازم مکه گردید تا راه را جهت وصول به مقصد الهی خویش هموار سازد. جملات زیر از جمله سخنان آن بزرگوار در مجلس یاد شده می باشد:

۱- حلف الفضول: پیمانی بود که جمعی از جوانمردان دوران جاهلی حجاز، به منظور دفاع از حقوق ستمدیدگان بین خود بستند - خود حضرت هم جزو آنان بود - و چون اسامی چند نفر از تشکیل دهندگان آن، از ریشمی فضل، فضیل و فاضل ترکیب یافته بود، «حلف الفضول» نامیده شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: اگر چنین پیمانی بعد از اسلام هم تشکیل یابد، من در آن شرکت می جویم.

۲- مقام زخار، ج ۲، ص ۱۷۵.

«إنا اهل بيت النبوة، و معدن الرسالة، بنا فتح الله، و بنا ختم. يزيدُ فاسق فاجر، شارب الخمر، قاتل النفس المحترمة، يُعلنُ بالفسق والفجور، مثلي لا يبايع مثله ولكن نصبح و تصبحون و تنظرون أيتنا أحق بالبيعة و الخلافة؟»

«ما خاندان نبوت و معدن رسالتیم، خداوند به نام و احترام ما دفتر خلقت را باز گشوده است و با نام ما هم ختم می فرماید؛ و یزید فرد فاسق و فاجر و شرابخوار علنی و قاتل مسلمانان بی گناه می باشد؛ مسلمانانی که اسلام خون آنان را محتام شمرده است. او شخص متظاهر به فسق و آشکار کننده گناه است و فردی در جایگاه و منزلت من، با چنین فرد فاسق و فاجری بیعت نمی کند. شب را به روز برسایم و تأمل و اندیشه در عواقب امر می نماییم تا ببینیم کدامیک سزاوار بیعت و نام نبردست هستیم؟»^۱

۳) نحوه حق طلبی مقبل و د

ابن هشام می نویسد: «بین حسین علیه السلام و ولید بن عقبه» در خصوص مالی اختلافی رخ داد، ولید که حاکم مدینه بود، می خواست از قدرت خود سوء استفاده نماید و حق امام را ضایع سازد، امام حسین علیه السلام به او گفت: به خدا سوگند، اگر از قدرت و اعتبار خود سوء استفاده کنی، شمشیر می کشم و در مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردم را به «حلف الفضول» فرا می آورم، عبدالله بن زبیر که نزد ولید نشسته بود، از حسین علیه السلام حمایت کرد و گفت: به خدا قسم اگر حسین علیه السلام دعوت به حلف الفضول نماید، من هم شمشیر خود را به مع او از خلاف بیرون می کشم. در پی او گروهی از صحابه نیز به حمایت حسین علیه السلام برخاستند. ولید با دیدن این اوضاع مرعوب گردید و دست از تعدی برداشت و حق را به صاحبش وا گذاشت.^۲

۱- سمو المعنى فى سمو الذات، ص ۹۶.

۲- سيرة ابن هشام، ج ۲، ص ۲۱، مناقب ابن شهر آشوب ج ۲، ص ۷۲.

۴) تجاوز دوباره ولید و نحوه پاسخ امام علیه السلام

باز نوشته‌اند: ولید (فرماندار مدینه) بار دیگر به مزرعه حسین علیه السلام تجاوز کرد. اباعبدالله که می‌دید که او به زور حکومت و قدرت متکی است، وی را از پشت قاطر به پایین کشید، عمامه‌اش را به دور گردنش پیچاند و صورت او را به خاک سیاه مالید. این در حالی بود که مروان بن حکم، شهریان مدینه نیز حضور داشت و به حسین علیه السلام اعتراض نمود و گفت: ای حسین، این نخستین تجاوزی است که از سوی رعیت به مقام حاکم انجام می‌گیرد! ولید که متوجه شد مروان نیتش بد دارد و می‌خواهد از آب گل آلود ماهی بگیرد، گفت: حق با حسین علیه السلام است؛ من متجاوز بودم. امام علیه السلام فرمود: «حال که تو صریحاً اقرار به حق نمودی، مزرعه را به تو بخشیدم».

شاید نقل نمونه‌ها، بالا، این اندیشه را به ذهن خواننده خطور می‌دهد که امام حسین علیه السلام به زور و قدرت نیز توسل می‌شده است! در پاسخ باید گفت اصولاً مخالفان امام علیه السلام منطبق و عاقل را چندان درک نمی‌کردند، از آن جا که منطق جواب منطق است بنابراین چاره‌ای جز توسل به زور و استمداد از سلاح معمول خودشان وجود نداشت.

۵) در محاصره سپاه یزید

ابراز عزت امام علیه السلام در مجلس ولید بن عقبه، با میت اصحاب، یاران و بنی‌اعمام خود بود که همگی منتظر فرمان ایشان بودند. بنابراین رقیبت و شرایط حساس ماجرا مربوط به لحظه‌ای است که امام علیه السلام کاملاً در محاصره سپاه یزید قرار داشت و حیات و بقای ظاهری‌اش در گرو تسلیم یا امتناع از بیعت با یزید بود. آن جا بود که امام عزت نفس و مناعت طبع، شکوه و جلال خاص خود را نشان داد و در کلمات تاریخی و سخنان جاودانش متجلی فرمود: «أَلَا إِنَّ الدَّعَىٰ بِنِ الدَّعَىٰ قَدْ رَكْزَنِي بَيْنَ اثْنَيْنِ: بَيْنَ السِّلَّةِ وَالذِّلَّةِ، هِيَهَاتَ مِّنَا الذِّلَّةُ! يَأْبَىٰ اللَّهُ ذَالِكَ

و رسوله و المؤمنون و حجور طابت و طهرت، و أنوف أمیة و نفوس أبیة من ان نُؤثر طاعة اللّٰثام على مصارع الكرام».

«آگاه باشید این پسر خوانده فرزند پسر خوانده، مرا بین دو امر سرنوشت ساز مخیر ساخته است: یا شمشیر کشیدن و جنگیدن یا قبول ذلّت و پستی، ولی ذلّت و پستی از خاندان ما بدور است؛ زیرا خداوند، رسول خدا و مؤمنان آن را روا ندانسته‌اند و آغوش‌های پاک مادران و انسان‌های وارسته و نفوس با عزّت نیز هرگز روا نمی‌شمرند که ما طاعت لثیمان و افراد پست را بر کشتارهای کریمانه مقدم بدریغ چنان که می‌بینید، این سخن نورانی که شعار ابدی و جاودانی امام حسین (علیه السلام) را نشان می‌دهد، به همین آیه مبارکه قرآن اشاره می‌نماید؛ جایی که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ و لِرَسُولِهِ و لِلْمُؤْمِنِينَ و لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ عزّت از آن خدا و رسول خدا و مؤمنان است ولی منافقان نمی‌دانند که عزّت چیست.

الگوی شیعیان و دوستداران

این روحیه مناعت طبع و عزّت نفس، در شیعیان و دوستداران آن بزرگوار نیز تجلّی یافته است، چنان که عشاق ایشان، در سراسر جهان، به پیروی از رهنمودها و ارشادات علمی و عملی آن حضرت گام برمی‌دارند. قابل تعمّق است دانسته باشیم که بیشتر نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی نواح از سوی پیروان و شیعیان آن امام همام (علیه السلام) صورت پذیرفته است؛ زیرا شیعیان و پیروان آن بزرگوار با پیروی از این پیشوای سربلند، هرگز زیر بار ذلّت و خواری نرفته‌اند. عزّت و افتخار حسینی (علیه السلام) مستلزم آن است که پیروان و دوستداران آن پیشوای راستین، مصونیت معنوی و داخلی خود را حفظ کنند و نه حالت انفعالی، بلکه با تکیه بر ارزش‌ها و امکانات فراوان معنوی، در مقابل دشمنان دین و انسانیت، حالت پیشروی و تهاجمی داشته باشند و ارزش‌های حسینی (علیه السلام) را که عبارت از مبارزه

با ظلم و ستم و مقابله با ستمکاران و متعدیان حقوق اجتماعی و معنوی است، در سطح جهانی مطرح سازند و همه را به اتحاد و یکپارچگی در برابر مظلالم و تعدیات درونی و برونی بسیج نمایند. تا همواره سرفراز و سربلند زندگی کنند، سطح جهان را از آلودگی‌ها و فسادها و تباهی‌ها محفوظ و مصون دارند و این شعار جاودانه حسینی علیه السلام را تداوم بخشند که «هیهات منا الذلة»؛ چرا که ذلت و خواری و تسلیم در برابر زور از ساحت و شأن و اعتبار ما به دور است. هرگز نباید زیر بار زور و ظلم و تعدی و تحمیل عقائد و افکار وارداتی زندگی کنیم، بلکه با آبروداری، از زندگی سعادت بخش سرور آزادگان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام تدارک بخش راه عزت و افتخار آن بزرگ پیشوا علیه السلام باشیم که همواره مرگ سعادت بخش را بر زندگی ننگین و آلوده با ظلم و تعدی ترجیح داده و در تداوم این حیات، تا سرانجام شهادت و فدا نمودن جان خویش، پیش رفته‌اند.

نویسنده‌ای مصری به نام بانر «میره لیلی» در اثر ارزنده‌اش «جهاد الشیعه» ثابت نموده است که بیشتر حرکت‌های انقلابی مسلمانان، از شیعه سرزده است. چنان که دکتر شرباصی در مقدمه عالم‌اش بر آن کتاب می‌نویسد: «شیعه یکی از طوایف اسلامی است که آثار بزرگی در جاساس اسلامی از خود به یادگار گذاشته است و از خود قهرمانانی باقی گذاشته است که گاهی با قلم و گاهی با شمشیر به مبارزه برخاسته‌اند که بانو سمیره این کتاب را پیرامون این جهاد وسیع نگاشته‌اند». آری! امروز شرایط زندگی ما، همانند شرایط زندگی سرور آزادگان است، با این تفاوت که شگردها و فریندگی‌ها و تجهیزات مدرن‌تر، بیشتر و مجهزتر از آن دوران می‌باشد و منافقان و پیمان شکنان نیز بیشتر و مرموزتر می‌باشند، ولی هیهات منا الذلة! نبرد ۳۳ روزه شیعیان لبنان و پیروزی آنان در برابر لشکر مجهزی که چندین ارتش کامل عرب را چند ساعته در هم کوبید،

۱- زنان نامی در تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۸۷.

۲- منم سرباز قرآن پیرو کافر نمی‌گردم
شمار من بود هیهات منا الذلة چون اصرار
به دامن حوادث روزگارم سخت جان پیرو
بیا ای مرگ سرخ! اندر دل سنگ مرا دریا!
ز خط مکتب خود، جانب دیگر نمی‌گردم
حسینی مکسم، آزادام، جاساک نمی‌گردم
هراسان از هجوم خصم بد گوهر، نمی‌گردم
که من دانی به تنگ مرگ در بستر نمی‌گردم

نمونه‌ای از این مناعت طبع و تحویل درس رهبر عزیز کربلا در دوران معاصر کربلا است.

گفتار ابن ابی‌الحدید

ابن ابی‌الحدید - آن عالم معتزلی که شرح و تفسیر بیست جلدی او بر نهج البلاغه مولی علی، علیه السلام یکی از بهترین‌ها و شاهکارها می‌باشد - در مورد مناعت طبع و بلندی روح امام حسین علیه السلام سخنی جالب و ارزشمند دارد، جایی که می‌نویسد:

«سید أهل الأبناء الذین علموا الناس الحیة، والموت تحت ظلال السیف، اختیاراً علی الدنیا ابوعبدالله بن ابیطالب الذی عرض علیه الأمان و أصحابه، فأنف من الذل»^۱.

سرور و پیشوای جوانمردان که هیچ تن به ذلت نداد و درس جوانمردی و عزت نفس را به دیگران نیز آموخت مرکز زیر شمشیرها را بر پستی و دناات انتخاب نمود. او اباعبدالله حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام بود، فردی که به ایشان و یارانش امان داده شد، ولی با اختیار و تزیینش خود، از ذلت و حقارت اعراض نمود.

آری! چنان‌که اشاره شد، این استقامت و حفظ عزت نفس، در مراحل واپسین لحظات زندگی امام حسین علیه السلام صحنه شکوهمندی را به نمایش گذاشت، آنگاه که فشارها خردکننده‌تر گردید؛ اصحاب و یاران آن حضرات این است رفتند، فرزندان و اهل و عیال او در تنگنای بی‌آبی و عطش قرار گرفتند. این عزت نفس و مناعت طبع و تسلیم نشدن او در برابر لثیمان و بدطیبتان چنان حیرت‌انگیز و بهت‌آور است که هیچ قلم توانا و زبان گویا و هنرمند برنا نمی‌تواند، صحنه‌ها و لحظه‌های آن را، چنان‌که بوده است، ترسیم نماید.

آنگاه که حسین بن علی علیه السلام تنها و تنها در محاصره تنگ نیروهای مسلح و مهاجم ابن‌زیاد قرار گرفته بود و سپاه شقاوت بار آماده بودند که با یک حمله و

یورش کار او را یکسره سازند؛ وقتی برق هزاران شمشیر برآق، چشم‌ها را خیره می‌ساخت و دل‌ها را می‌لرزاند و آمیدی به حیات و بقاء نبود. آنگاه که سوز تشنگی و عطش، سراپای وجود امام علیه السلام و فرزندان دلبندش را فرا گرفته بود و جهان در برابر چشمانش تیره و تار بود؛ زمانی که زنان و کودکان امام علیه السلام در خیمه‌ها منقلب و پریشان و چشم انتظار قطراتی آب بودند و عموماً در حسرت و پریشانی و آستانه اسارت پردرد و وحشتناک به سر می‌بردند؛ آنگاه که ناله‌های جانسوز زنان و کودکان و دختران، قلب پرمهر حسین علیه السلام را می‌سوزاند و سینه‌اش را می‌شکافت، در شرایطی چنان وحشت‌زا که هر شیر درتده را به لرزه و ضعف می‌کشاند و در آن تاریکی که هر ناخدایی خود را گم می‌کند، باز صدای پرهیمنه و با صلابت او به گوش آن ناله‌ها می‌رسید:

«هیهات منا الذلّة! هیهات لنا الذلّة!» «والله لا أعطيهم بیدی، إعطاء الذلیل»^۱

من هرگز دست ذلت به دست ایشان نمی‌دهم، ذلت از خاندان ما دور است، هیهات که تن به ذلت و خواری دهم!

ملت بزرگوار ایران و رزمندگان غیور و بسیجیان پر شور، توانستند در هشت سال دفاع مقدس در برابر استکبار جهانی و غرامل دست نشانده آن در منطقه، با الهام از مکتب حسینی علیه السلام و با انرژی حاصل از آن عتبات خواهمی و مناعت طلبی، ناباورانه مقاومت کنند و در مقابل دیدگان متحیر جهانیان از آسایش الهی سر بلند بیرون آیند و افتخار آزاد زیستن را به جهانیان نشان دهند. سرچشمه این نوع زندگی، مخارج سنگین و تحمّلات سختی را در بردارد.

دهمین کتاب مقتل

در راستای نمایاندن این نوع زندگی سرفرازانه، تاکنون دفتر «دفتر نشر نوید اسلام» ده عنوان کتاب را به پیشگاه اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران گراتقدر ایشان تقدیم کرده است:

۱. ترجمه فارسی لهوف سیّد بن طاووس: یکی از مقاتل معتبر قرن هفتم هجری (دربدارنده فرجام قاتلان حسین علیّه السلام و قیام مبارز نامی، مختار ثقفی) که از سال ۱۳۷۸ شمسی ترجمه صدهزار نسخه از آن منتشر شده است؛
۲. حماسه سازان کربلا یا ترجمه إیصار العین فی أنصار الحسین علیّه السلام: این اثر توسط عالم بزرگوار مرحوم شیخ محمد سماوی، از علمای معاصر عراق (م ۱۳۷۱ هـ) پیرامون یاران امام علیّه السلام تألیف و چند بار به زیور طبع آراسته گشته است؛
۳. ترجمه «تسمیه من قتل مع الحسین من اصحابه و اولاده و إخوانه»: تألیف عمر بن فضل بن سان از پیروان زید بن علی بن الحسین (قرن دوم هـ)؛
۴. ترجمه مثنوی قصه و قصه در فیما یتجدّه به حزن یوم العاشور: تألیف محدث عالقدر مرحوم حاج شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـ . ق) که در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است؛
۵. استخراج و تنظیم لهوف منظم، سروده نوه مرحوم شیخ العراقین با تصحیح مرحوم انصاری با کوشش زرچشم، حمیدرضا عقیقی بخشایشی؛
۶. سه مقتل گویا در حماسه عاشورا: مباحره چند مقتل معروف پیرامون یاران آن بزرگوار؛
۷. ماجرای عاشورا: تألیف آیت الله سیّد علی کبر مرشدی، نویسنده قاموس قرآن؛ که در حال حاضر چاپ پنجم آن در دسترس علاقه مندان قرار دارد.
۸. روضة الشهداء: اثر کاشفی سبزواری با ادب بلند و قافیه های روان با تصحیح و تذکر اشتباهات تاریخی آن؛
۹. بارگاه عقیده زینب کبری کجا است؟ ترجمه واعظ شهیر، آقای حاج میرزا عیسی اهری، پیرامون زندگی زینب کبری قهرمان کربلا و مدفن آن بانوی بزرگوار؛
۱۰. مقتل مفرّم: (کتاب حاضر) تألیف استاد سخن و ادب، شادروان سیّد عبدالرزاق موسوی مفرّم که نخستین بار است که به این کیفیت منتشر می شود.